



چرا افسانه نروزی باید اعدام شود؟

آقایان، سید محمد خاتمی، مهدی کروبی، سید محمود هاشمی شاهرودی

این روزها در جمهوری اسلامی ایام بزرگداشت مقام زن و روز مادر است و من به عنوان يك زن روزنامه نگار 25 ساله ایرانی که همسن انقلابم، در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده ام، خارج از کشور نبوده ام و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی پرورش یافته ام و وارث انقلابی هستم که پدران و مادرانم در عنوان جوانی وقتی هم سن من بودند آن را رقم زدند.

از شما سران ایران اسلامی از کشته شدن يك زن خبرنگار در زندانهای جمهوری اسلامی نمی پرسم، از محکومیت يك خبرنگار زن تنها به اتهام معرفی يك کتاب در روزنامه اش نمی پرسم، از رد لایحه پیوستن به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و چشم پوشی داعیه داران حکومت اسلامی بر قتل‌های ناموسی تحت اختیارداری مردان در ایلام و اهواز و آبادان و ... نمی پرسم.

نمی پرسم چرا پس از گذشت 24-25 سال از تشکیل حکومت اسلامی در این مملکت، صحبت از تشکیل خانه‌های عفاف می‌شود. چرا به گفته يك مقام مسئول، 70 درصد دختران فراری در کشوری که حکومتی اسلامی بر آن حاکم است، از خانواده‌های مذهبی می‌باشند. کاری به خانه هدایت اسلامی کرج هم ندارم و نه به تایید حکم سنگسار زنی توسط دیوان عالی کشور. از هیچکدام از اینها که دغدغه‌های ذهنی من به عنوان يك روزنامه نگار است، نمی پرسم. اما به عنوان يك زن به خود حق می‌دهم شما را خطاب قرار داده و فریادهای شکوه آمیز و دردمندانه زنی را متذکر شوم که از شش سال پیش تاکنون، به دلیل دفاع از پاکدامنی خویش اسیر بند و زندان شده و به مرگ محکومش کرده اند. "افسانه نروزی" شش سال پیش در دفاع از ناموس خود رییس سازمانی را از پای درآورد که می‌بایست حافظ نظم و امنیت در جزیره کیش می‌بود اما محاکم قضایی بدون توجه به گزارش‌های اولیه پلیس و نظریه پزشکان قانونی در تایید گفته‌های این زن در تمام مراحل بازجویی، تحقیق و محاکمه که در آنها علت قتل "آقای مقدم" را دفاع از شرف و آبروی خویش عنوان کرده، او را مستحق "اعدام" تشخیص داده اند، بدون اینکه به انگیزه خاص دیگری استناد کنند که اساس و لازمه هر جنایتی است. توجه جنابان عالی را به این نکته جلب می‌کنم که طبق مندرجات پرونده گروهی از بازجویان به‌مراه دو پزشک قانونی و دو تن از افسران آگاهی در جزیره کیش، برای بازسازی صحنه در محل جنایت حضور یافته و پس از بازسازی صحنه قتل، با امضای صورت جلسه ای، گفته‌های افسانه نروزی را در تشریح صحنه قتل مورد تایید قرار داده اند.

با تمام دلایل محکمه پسندی که تاکید می‌کند افسانه نروزی در "دفاع مشروع" از خود، آقای مقدم را به قتل رسانده اما چندی پیش حکم اعدام وی در دیوان عالی کشور تایید شد. حکم صادره و تایید آن در دیوان عالی کشور يك بار دیگر ما را در برابر این پرسش اساسی قرار داد که آیا دفاع از حیثیت و ناموس يك زن در جمهوری اسلامی باید چنین هزینه‌ای را در بر داشته باشد؟ بنده به عنوان يك زن مسلمان ایرانی و در اصل به عنوان يك روزنامه نگار زن این پرسش را از شما که مسئولان عالرتبه نظامی که داعیه اسلامی بودن هم دارید می‌پرسم که اگر يك زن در موقعیت افسانه نروزی قرار بگیرد چه کاری را باید انجام دهد؟

آیا اگر به خواسته‌های بیشترمانه طرف مقابل تن دهد "زنای محصنه" مرتکب نشده است و حکم او سنگسار نخواهد بود؟ آیا اگر به خواست او تن ندهد و مقاومتش تا بدانجا پیش رود که منجر به ارتکاب قتلی چون ماجرای افسانه نروزی شود، قاتل است و حکمش اعدام خواهد بود؟

آیا قاضی پرونده افسانه نروزی در هنگام صدور حکم نیم نگاهی به ماده 61 و 625 قانون مجازات اسلامی داشته است که قانونگذار به خوبی پیش بینی کرده که چنانچه فردی در مقام دفاع از جان یا مال و یا ناموس خود یا دیگری مرتکب عملی شود که قانونا جرم است، با استناد به بحث دفاع مشروع از مجازات معاف است؟

قاضی محترم و دادیاران دیوان عالی کشور که حکم اعدام را صادر و تایید کرده اند آیا اندکی اندیشیده اند که اگر همسر یا دخترانشان در موقعیتی همچون افسانه نروزی قرار گیرند چه اقدامی باید صورت دهند؟ اصلا چه توقعی از آنان دارند، توقع دارند که به زنا تن دهند یا اینکه عنوان قاتل را بپذیرند؟

آقایان محترم!

حکومتی که داعیه اسلامی بودن را دارد به کجا می‌رود؟ کجا باید آنان که خود را حافظ و نگاهبان اسلام و اسلامیت مردم می‌پندارند و هر جا گفتاری یا عملی برخلاف منافع جناحی خود تشخیص دهند، فریاد و السلاما سر می‌دهند.

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گویند جای اکراه نیست

بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود

خودفروشان را به کوی می‌فروشان راه نیست

فرشته قاضی - روزنامه نگار

نامه ای که سبب دستگیری این نویسنده شجاع شده است. از رسانه: پیک نت

